

نگاهی به فراز و نشیب‌های دوران فرماندهی شهید علی صیاد شیرازی در دفاع مقدس

سر لشکر همیشه می‌گفت: من سر باز اسلام هستم



بر ضداقلاب می‌نویسد: «باید یادآوری کنیم که خطرات من در رابطه با نبرد در کردستان مربوط به دورانی است که خود من در آنجا حضور داشتم و در واقع این کل تاریخچه آن وقایع نمی‌باشد. به هر حال بعد از حدود سه ماه تمام شهرها آزاد شد فقط برای اینکه درک کنیم نیروها چگونه کار کردند، ۲۴ ساعته کار می‌کردند. البته به لطف خدا ترکیب مقدسی از نیروهای ارتشی و سپاهی و داوطلب مردمی و پیشمرگان کرد مسلمان و جهادگران باروچی‌های بالا در منطقه حضور داشتند. همه همراه و همیا بودند.»

اختلاف با بنی‌صدر

اما طوفانی نمی‌کشد که صیادشیرازی با ابوالحسن بنی‌صدر به مشکل و اختلاف برمی‌خورد. در حالی که زمان زیادی از تأسیس قرارگاه عملیاتی غرب کشور نگذشته نوجوانها و اطلاعات نادرست به بنی‌صدر، مشکلات جدی‌ای را پیش می‌آورد. شهید درباره آن روزهای می‌نویسد: «وی اینی‌صدرا فردی دهن‌بین بود و به حرف‌های معمولی توجه جدی معطوف می‌کرد. از این رو احساس کردم که عرصه بر ما به تدریج تنگ‌تر می‌شود و همین گونه هم شد. البته ماهیت بنی‌صدر هم کم‌کم برای همه روشن‌تر می‌شد. مردم روز به روز بهتر او را می‌شناختند و مقابلهش موضع می‌گرفتند. خصوصا پس از آنکه شهید مظلوم آیت‌الله دکتر بهشتی (ره) از طرف وی مورد توهین قرار گرفت، تفرقه و کارشکنی ایشانش بیشتر بر ملا گردید.»

اختلاف با بنی‌صدر موجب برکناری او و خلع دو درجه می‌شود اما روزهای سخت برای شهید صیادشیرازی زود تمام می‌شود و با عزل بنی‌صدر، ایشانش مجدداً دو درجه از تقاعزم غرب کشور می‌شود. پس از اجرای موفقیت‌آمیز عملیات ثامن‌الائم، جمعی از فرماندهان عالی‌رتبه نظامی از جمله سر تپ فلاحی جانشین ستاد مشترک ارتش، سرهنگ نامجو وزیر دفاع، یوسف کلاه‌دو، قائم‌مقام عملیاتی سپاه پاسداران و محمد جهان‌آرا فرمانده سپاه خرمشهر در حالی که با یک فرزند هواپیمای «سی ۱۳۰» از خوزستان به تهران بازمی‌گشتند در اثر سانحه سقوط هواپیما به شهادت رسیدند.

اتحاد ارتش و سپاه

با شهادت فرماندهان عالی‌رتبه، تغییراتی در کادر بالای ارتش به وجود آمد و با انتصاب «سرتیپ

ظهور نژاد» فرمانده وقت نیروی زمینی به ریاست ستاد مشترک ارتش، سرهنگ توپخانه، علی صیادشیرازی به فرماندهی نیروی زمینی منصوب شد. حضور ایشان دوباره پیوند میان ارتش و سپاه که به واسطه سیاست‌های بنی‌صدر مخدوش شده بود را برقرار ساخت.

در خاطرات شهید صیاد نیز در مورد اتحاد سپاه و ارتش در دوران دفاع مقدس آمده است: «تلفیق دو نیروی سپاه و ارتش در قرارگاه مشترک و در خط، قابل توجه است. در قرارگاه ستادمان را متشکل کرده بودیم به یک ستاد عملیات واحد. هر کس‌ی وارد آن می‌شد فرماندهی واحد را بر عملیات احساس می‌کرد. بنده و برادر رضایی هر دو یکی محسوب می‌شدیم. دو جسم بودیم ولی روح و فکر ما یکی بود، وحدت کلمه داشتیم و یک واحد بودیم.»

محسن رضایی نیز در رابطه با همکاری سپاه و ارتش در زمینه ارائه آموزش‌های نظامی به یکدیگر چنین می‌گوید: «همین زمینه باعث شد تا برادران ارتشی تجرب خود را به برادران سپاهی منتقل کنند و ما توانستیم در جنوب آموزش‌های خوبی را با کمک امکانات برادران ارتشی به برادران سپاهی منتقل کنیم.»

اتحاد سپاه و ارتش موفقیت‌های زیادی را در رمضان روزهاش را کتار نمی‌گذاشت جبهه‌ها به ارمان آورد. حضور ایشان پیروزی در عملیات‌های بزرگی مثل طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس را رقم زد. عملیات‌های بزرگ و مهمی که سرنوشت جبهه‌ها را مشخص کرد رونق جنگ تحمیلی را در مسیر پیروزی رزمندگان قرار داد. مدیریت و فرماندهی صیاد تنها به قیودی که ارتش‌های کلاسیک آن را ایجاد کرده‌اند معطوف نمی‌شد. به عنوان مثال یکی از این قیود این است

یادکرد

۲۰ فروردین سالروز شهادت سید شهیدان اهل قلم

مستندسازی که در پی شناساندن انسان‌های جنگ بود

علیرضا محمدی

۲۰ فروردین سالروز شهادت سیدمرتضی آوینی در بهار ۱۳۷۲ است. آوینی اگر چه تحصیلکرده رشته معماری بود و دستی در هنر روزنامه‌نگاری داشت، اما همواره به عنوان یک مستندساز انقلابی شناخته می‌شد و می‌شود فیلمسازی آوینی با پیروزی انقلاب متولد شد و با دفاع مقدس اوچ گرفت. آوینی مستندسازی بود که «انسان» حاضر در جنگ را در مرکز توجه خود داشت و به دنبال شناخت و شناساندن این انسان‌ها به تاریخ بود. در سالروز شهادتش مروری بر آثار او داریم تا بیشتر با انسان‌های جنگ آشنا شویم. «آری، ما از این موهبت برخوردار بودیم که انسان دیدیم، ما یافتیم آنچه را که دیگران ندیدند. یکی از معروف‌ترین تریش‌های آوینی در خصوص انسان‌های جنگ زمانی گفته شد که چند ماه از پایان دفاع مقدس می‌گذشت. یک اتوبوس حامل رزمندگان برای بازدید از مناطق عملیاتی به جبهه‌های خوزستان رفته بود که در این میان آوینی از موهبت اعطا شده به جبهه رفته‌ها سخن گفت: «یکی از آن جسع می‌گوید: فرق ما با دیگرانی که اینجا را ندیدند این است که ما انسان را درک کردیم. آری، ما از این موهبت برخوردار بودیم که انسان دیدیم. ما یافتیم آنچه را که دیگران نیافتند. ما همه اقق‌های معنوی انسانیت را در شهدا تجربه کردیم. ما

ارتقا یافت.

نبوغ صیاد در مرصاد

عملیات مرصاد زمان‌کینه بزرگ منافقین از شهید صیادشیرازی بود. در این عملیات فرمانده بزرگ ارتش ایران بار دیگر نبوغ و قدرت نظامی‌اش را به رخ دشمنان کشید. ایشان با حضور به‌موقع خود در زمان عملیات ورق را به سود ایران بازگرداند و نیروهای مهاجم منافق را در تنگه چهارزبر گرفتار نیروهای ایرانی کرد.

صیادشیرازی دو سالی بود که از فرماندهی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی استعفا داده بود و به عنوان نماینده‌امام خمینی در شورای عالی دفاع مشغول فعالیت بود ولی امور جبهه‌ها را راه‌نکرده بود و کماکان حورشور در میان رزمندگان ادامه داشت. در روزی که منافقین «فوغ جاویدان» را پاپه‌بیزی کردند تا به خیال خام خود از ضعف ایران بعد از پذیرش قطعنامه استفاده کنند و حکومت را ساقط کنند، صیاد شیرازی در جبهه‌های جنوب کشور مشغول بررسی اوضاع بود که خبر را شنید و خود را به غرب رساند.

وقتی شهید صیادشیرازی خبر می‌دهند که منافقین دست به عملیاتی به عنوان فروغ جاویدان زداند و می‌خواهند از غرب و منطقه «چهارزبر» و «تنگه باتلاق» وارد کشور شوند و به زعم خودشان تا تهران بیایند بلافاصله با منسی مملک‌رایی که داشتند در صحنه حضور پیدا می‌کنند و فرماندهی عملیات را بر عهده می‌گیرند و بیان می‌کنند که باید در همین تنگه «چهارزبر» که بعدها مرصاد نامیده شد کار منافقین را تمام کرد. با نقش ارشش و سپاه مشورت می‌کرد تا بتواند عملکرد درستی در صحنه‌های مختلف نبرد داشته باشد. به عنوان مثال در «عملیات خیبر» به همراه تعدادی با یک فروند بالگرد منطقه عملیاتی مورد نظر را شناسایی کرد، چون معتقد بود که بهتر است قبل از انجام عملیات اصلی، یک عملیات شبیه‌سازی شده هم انجام شود تا مدیران و فرماندهان یگان‌ها با صحنه نبرد واقعی آشنا شوند.

صیادشیرازی در سال ۱۳۶۵ از فرماندهی نیروی زمینی ارتش استعفا داد و طی حکمی از سوی حضرت امام خمینی به عضویت شورای عالی دفاع منصوب شد و یک سال بعد به درجه سرتیپی می‌گشت و ولی این زاهد ابدی در دلش نچنگیده بود، غیبه می‌خورد که چرا دوستان و هم‌زمانش نوبت به نوبت شهید شده‌اند و او همچنان در صف انتظار ایستاده است. سال‌های سال مجاهدت از غرب تا جنوب، خطرات گرنابهایی را از چمران و فرماندهی ایشان و تکیه بر ارتش، هواپنروز، مردم و سپاه به راحتی عملیات موفقیت‌آمیزی طراحی و اجرا شد و در این عملیات تعداد زیادی از منافقین کشته شدند و بعد از این جریان بود که منافقین برای انتقام‌گیری و ترور شهید صیاد مصمم‌تر می‌شوند.

در آرزوی شهادت

پس از پایان جنگ تحمیلی، غم سنگینی بر دل مجروح صیاد نشست. گویا فصل شهادت رو به آخر رسیده و صیاد از قافله شهادت جامده بود. صیاد شیرازی که سال‌ها در پی صید شهادت می‌گشت ولی این زاهد ابدی در دلش نچنگیده بود، غیبه می‌خورد که چرا دوستان و هم‌زمانش نوبت به نوبت شهید شده‌اند و او همچنان در صف انتظار ایستاده است. سال‌های سال مجاهدت از غرب تا جنوب، خطرات گرنابهایی را از چمران و فرماندهی ایشان و تکیه بر ارتش، هواپنروز، مردم و سپاه به راحتی عملیات موفقیت‌آمیزی طراحی و اجرا شد و در این عملیات تعداد زیادی از منافقین کشته شدند و بعد از این جریان بود که منافقین برای انتقام‌گیری و ترور شهید صیاد مصمم‌تر می‌شوند.

شهادت سرلشکر علی صیادشیرازی آرزویی دیرینه بود که او سال‌ها در دلش داشت. شهید صیادشیرازی که بارها در سخنانش جمله «من یک سرباز اسلام هستم» را گفته بود تا آخرین روز حیاتش همچون یک سرباز ساده مشغول خدمت بود، او در نهایت ساگی زندگی کرد و مرد مجاهدت‌هایش را پس از سال‌ها فرآق از دوستان شهیدش در صبح ۲۱ فروردین ۱۳۷۸ گرفت.

در نگاهی به شخصیت و سبک زندگی شهید صیادشیرازی، مجموعه‌ای کاملاً منسجم از فراهم آمدن خصایل الهی موجب یک انسان کامل دیده می‌شود. او از نظامی بودن، شیعه بودن، ایرانی بودن و سیجی بودن چیزی نمی‌گذاشت.



از این طریق تعلم اسما می‌کنند و به حقیقت هستی وصول می‌یابند... ساعتی بعد، بار دیگر، انفجاری دیگر از نور سینه ظلمت‌ها خواهد شکفت.
در مستندهای آوینی به «انسان» نه با دید کلی که با دید کلی که به صورت جزئی‌نگاه می‌شود... او رزمندگان مقابل دوربینش را به اسبم صدا می‌کند تا به مخاطب نشان دهد آنها همان آدم‌های معمولی هستند که روح‌شان را پرورش داده‌اند و به درجاتی از تعالی رسیده‌اند: «بسرکی ۱۳ ساله، ساک به دست روی پله اول اتوبوس ایستاده است و می‌خواهد به زور داخل اتوبوس شود. همه می‌خواستند جلوی رفتن او را بگیرند و او اصرار داشت که برود. گر به کتان قسم می‌داد و التماس می‌کرد و از ساک سفری‌اش پیدا بود که این تصمیم را ناگهانی نگرفته است. آخرا لامر بچه‌ها او را از رفتن منصرف کردند، اما هیچ‌جایی برای سرزنش او وجود نداشت. در نور دیده است. در قامت او می‌توان عشق و زهد و شجاعت و کرامت و عزت و ... را تجربه کرد. فروردین سال ۶۸، وقتی آوینی به عقب نگاه می‌کند و هشت سال جنگ را مرور می‌کند، فراتر از هر پیروزی با شکستی انسانی را می‌بیند که در کوران آتش جنگ خالص

طراح: علیرضا سجادی فر | شماره ۵۶۲۲

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱

جدول سودوکو

ارقام ۹ تا ۹ اطوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱

جدول کلمات متقاطع

با پاسخ جدول شماره ۵۶۲۱

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵